



سیستم آموزشی جوابگوی نیازهای جامعه ما نبوده است

رئیس هیئت مدیره انجمن مطالعات برنامه ریزی درسی ایران با بیان اینکه منتقد سیستم آموزش و پرورش نوین صد سال گذشته کشورمان هستم، گفت: از 100 سال گذشته که آموزش و پرورش نوین در کشور ما پایه گذاری شد تا به حال سیستم آموزشی ما جوابگوی نیازهای جامعه ما نبوده است.

رئیس هیئت مدیره انجمن مطالعات برنامه ریزی درسی ایران با بیان اینکه منتقد سیستم آموزش و پرورش نوین صد سال گذشته کشورمان هستم، گفت: از 100 سال گذشته که آموزش و پرورش نوین در کشور ما پایه گذاری شد تا به حال سیستم آموزشی ما جوابگوی نیازهای جامعه ما نبوده است. به گزارش خبرنگار مهر، ثمربخشی آموزش و پرورش از یک سو تبدیل کردن انسان‌های مستعد به انسان‌های سالم، بالنده، متعادل و رشد یافته و از سوی دیگر تأمین کننده نیازهای نیروی انسانی جامعه در بخشهای متفاوت فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است. نظر به چنین اهمیتی است که در عصر کنونی، همه دولت‌های جهانی از کوچک و بزرگ، قدرتمند و ناتوان و صنعتی تا در حال توسعه، پرداختن به آموزش و پرورش مردم خود را در شمار وظایف اساسی می‌دانند و برای همگانی، سراسری و حتی اجباری کردن آن، تعهدات سنگینی در قانون‌های اساسی و بنیادی خود می‌کنجاند و درصد زیادی از تولید ناخالص ملی و بودجه جاری و عمرانی کشور را به این امر مهم اختصاص می‌دهند. امروزه به دلیل گسترش علوم و تجارب بشری و توسعه فن‌آوری و پیشرفت‌های صنعتی، گرایش به سازمان‌های آموزش و پرورش امری فراگیر و جهانی شده است. به حدی که یکی از شاخص‌های مهم رشد هر جامعه را وسعت دامنه وظایفی می‌دانند که آموزش و پرورش آن به عهده گرفته است. بنا به اهمیتی که یاد شد و مسائلی که در این مجال نمی‌گنجد. با دکتر مجید علی‌عسگری، رئیس هیئت مدیره انجمن مطالعات برنامه ریزی درسی ایران در مورد نقش آموزش و پرورش در توسعه کشور و بایسته‌های وزیر دولت یازدهم به گفتگو نشستیم که اکنون از نظر شما می‌گذرد.

*معمولا آموزش و پرورش در همه کشورها خصوصا کشورهای توسعه یافته بخش مهمی محسوب می شود اما در کشور ما و کشورهای جهان سوم، آنچنان که باید و شاید جایگاه واقعی خود را ندارند. نظر شما در مورد اهمیت آموزش و پرورش و نقشی که در تربیت نیروی انسانی در سالهای آینده دارد توضیح می دهید؟

همه کشورهای دنیا، بر روی نیروی انسانی خودشان سرمایه گذاری می کنند. آمریکا، ژاپن و کشورهای پیشرفته دیگر نمونه بارزی از این سرمایه گذاری هستند. بدون توجه به اینکه این کشورها تا چه حد پیشرفت کردند، با سرمایه گذاری بر روی نیروهای مادی و غیرانسانی نیست که پیشرفت کردند، بلکه این کشورها پیشرفت‌شان را مدیون سرمایه گذاری روی نیروی انسانی خود هستند. آمریکا و ژاپن را مثال زدم به دلیل اینکه آمریکا سرشار از منابع زمینی و زیرزمینی است و ژاپن هیچ گونه منابع زمینی و زیرزمینی ندارد ولی هر دوی این کشورها موفق شدند به توسعه برسند. فکر نمی کنید این موفقیت به خاطر سرمایه گذاری روی نیروی انسانی شان بوده باشد؟! طبیعتا همین طور است. شما گفتید وزارت آموزش و پرورش یکی از مهمترین وزارتخانه های کشور، اما می‌خواهم بگویم وزارت آموزش و پرورش مهمترین سیستمی است که می‌تواند یک جامعه را به سمت پیش یا به سمت پسرفت ببرد.

کشور ما را با کشورهایی که از ما خیلی پائین‌تر بودند مانند ژاپن، کره، مالزی و ... مقایسه کنید. همه این کشورها پیشرفت‌شان را مدیون سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش هستند. آموزش و پرورش مهم‌ترین بخش از زندگی یک انسان را پر می کند، اگر پیش دبستانی را جزو سیستم آموزش و پرورش در نظر بگیریم که باید این گونه هم باشد. از سه سالگی تا سی سالگی؛ سنی است که جوان بهترین بهره وری را برای جامعه می تواند داشته باشد که جوانان در این دوران در خدمت آموزش و پرورش و سپس آموزش عالی هستند آموزش و پرورش، جوانان ما را در این سنین در اختیار می گیرد و در ازای آن به جامعه چه می دهد؟، اینکه آموزش و پرورش چه تحویل می دهد مهم است.

*کاستی‌هایی که اکنون وجود دارد به چه امری بر می گردد؟

این سیستم آموزشی ماست که بدون توجه به دولتهای گذشته که در جمهوری اسلامی تشکیل شد کار خود را انجام می دهد. از 100 سال گذشته که آموزش و پرورش نوین در کشور ما پایه گذاری شد تا به حال سیستم آموزشی ما جوابگوی نیازهای جامعه ما نبوده است. از سالهای قدیم همان زمانی که خود ما تحصیل می کردیم این انتقادات وجود داشت. وقتی به مدت چند سال وقت دانش آموزان را در اختیار می گیریم چه چیزی به جامعه تحویل می دهیم؟! در واقع من منتقد سیستم آموزش و پرورش نوین صد سال گذشته کشورمان هستم. حرفهایی که می زنم مربوط به یک دوره خاص نیست بلکه مربوط به تمام دوره آموزشی است. اگر بخواهیم این سابقه را بررسی کنیم تقریبا از سالهای 1290 - 1300 سیستم نوین آموزشی در کشور ما شروع شد و از همان ابتدا این سیستم یک سیستم وارداتی و تقلیدی بود که در مقاله ای این موضوع را بررسی کردم. «خشت اول گر نهد معمار کج/ تا ثریا می رود دیوار کج»

خشت اول در آموزش و پرورش کشور ما نادرست گذاشته شد. ما یک سیستم باستانی، قدیمی و سنتی داشتیم که اصطلاحاً به آن روش مکتبخانه ای می‌گفتیم. تمام آن سیستم را یکباره دور ریختیم و سیستم جدید که اصطلاحاً آکادمیک یا مدرسه ای است را جایگزین آن کردیم که این جایگزینی از همان ابتدا خوب صورت نگرفت.

مستحضر هستید که در طی این تاریخ 100 ساله در چند برهه تغییرات بنیادینی در سیستم آموزشی ما گذاشته شد. تبدیل سیستم سنتی به سیستم نوین تغییر عمده ای بود که متأسفانه نادرست بود. تغییرات دیگر هم وجود داشت که خدمت شما عرض می‌کنم، مثلاً در سال 1345 دوره راهنمایی تحصیلی به وجود آمد و نظام پنج سال ابتدایی بنا به ضرورت‌هایی بدون مطالعه کافی به وجود آمد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در سال 1370 دوره های جدید و طرح بنیادی نظام آموزش و پرورش گذاشته شد که البته درست و خوب بنیان گذاشته نشد. چون ما هر موقع آمدیم این سیستم را تغییر دهیم بنا به ملاحظات این کار را کردیم مثلاً وزیری می‌خواست استیضاح شود، دست به تغییرات می‌زد. زمانی مجلس مخالف بود، ولی دولت این کار را کرد. برعکس جایی دولت می‌خواست کار کند ولی مجلس ممانعت می‌کرد. این روند تا به امروز ادامه داشته است.

*وضعیت در کدام دولت و در زمان کدام وزیر بهتر بود؟

بدون اینکه به شخصی خاصی نظر داشته باشم تا به حال در کشور ما در صد سال اخیر، وزیر مناسبی که برای آموزش و پرورش این کشور شأنیت داشته باشد کمتر به خاطر می‌آید. کمتر می‌توانم اسمی را نام ببرم و بگویم این شخص شایسته بوده است. ان شاء الله در دولت تدبیر و امید، شاهد انتخاب وزیر لایقی باشیم که بتواند این کشتی را به ساحل برساند.

*به روند 100 سال اخیر آموزش و پرورش انتقاد داشتید و برخی از انتقادات را به صورت کلی بیان کردید، به صورت جزئی تر انتقادات خود را مطرح می‌کنید؟

جزئیات انتقادات واقعا خیلی گسترده است. هر نقطه ای از سیستم آموزشی را که بنگرید دچار ضعف‌های بسیار فراوانی هست. برای بیان انتقادات جزئی لازم است تحقیقات گسترده ای انجام شود یکی از مهمترین انتقادات من این است که هر تغییری که در سیستم آموزشی آمده است بدون تحقیق انجام شده است. تغییرات براساس سلیقه بوده است. سیستم سوپرمتروک آموزشی ما، نقل و انتقال معلم، تبدیل و ... را غیرممکن کرده است. مثلاً برای ثبت نام حتماً باید سیستم مرکزی تشکیل شود تا دانش آموزان بتوانند ثبت نام کنند. ثبت نام دانش آموزان در همه دنیا به صورت عادی و اتوماتیک وار انجام می‌شود و اصلاً کسی متوجه ثبت نام نمی‌شود اما در کشور ما چنین هیاهویی انجام می‌شود.

بحث مدارس آزاد یا غیر انتفاعی (اصلاً مشخص نیست که چرا اسم آنرا غیرانتفاعی گذاشتند، در صورتی که انتفاعی است) یا مثلاً تغییراتی که در سیستم آموزشی ما به وجود آمده است. مثلاً کتابهای درسی عوض می‌شود بدون اینکه از معلمان نظرسنجی شود یا دوره آزمایشی خودش را انجام دهد. مثلاً تبدیل 6 - 3 - 3 براساس کدام تحقیق بوده است. براساس کدام تحقیق نظام آموزشی خود را عوض کنید. با اجرای این روش 30 سال به عقب برگشتیم، قصد تخطئه و دسیسه چینی ندارم اما منظورم این است که ما 30 سال پیش سیستم 6-3-3 یعنی 6 سال ابتدایی، سه سال سیکل اول و سه سال سیکل دوم داشتیم، بعد تغییر دادیم و حالا بعد از سی سال دوباره این کار را تکرار کردیم. این تغییر براساس چه تحقیقاتی بوده است و این بازگشت براساس چه تحقیقی بوده است؟!

یا مثلاً در مورد کتابهای درسی، سال گذشته برای تغییر کتابهای درسی در خدمت مسئولان این بخش بودیم. گفتم که چرا اینقدر عجله می‌کنید؟! آنها هم می‌گفتند: اگر دست شما بود شما هیچ تغییری نمی‌دهید! در صورتی که گفته می‌شود افراد دانشگاهی معمولاً اصلاح طلب و خواهان تغییر هستند و سنتگراها معمولاً با تغییر مخالف هستند. ما معتقدیم که تغییر خیلی خوب است اما براساس یک کار و اصولی باشد. کار آزمایشگاهی صورت گیرد و نظر همه کارشناسان بررسی شود.

مثلاً راجع به تغییر سیستم جدید که با عجله هرچه تمام تر صورت گرفت. شنیدم آقای وزیر در یکی از سخنرانیهایش که می‌گفت اگر تغییر ندهید سال دیگر که وزیر عوض می‌شود دیگر هیچ کاری نمی‌توان کرد یعنی همه برنامه‌های ما بر این اساس است که در زمان ما رخ دهد. ما برنامه ریزی نمی‌کنیم تا مثلاً در سی سال آینده جواب دهد. معمولاً در نظام آموزشی باید از 15 تا 30 سال منتظر نتایجش باشیم. در آموزش و پرورش کاری که امروز انجام می‌دهیم فردا نتیجه اش را نمی‌بینیم چه خوب و چه بد باید طی یک دوره 15 تا 20 ساله منتظر نتایجش باشیم. اگر تمام این مسائلی که در صد سال گذشته روی داده را به صورت حافظه ای مرور کنیم، می‌بینیم هر کدامش ایراداتی دارد مثلاً ما دوره راهنمایی تحصیلی را داشتیم اما ابزار آنرا فراهم نکردیم. یا مثلاً طرح کار و دانش گذاشته شد ولی آنرا ناقص اجرا کردیم. بعد هم می‌گوئیم این هیچ نتیجه ای ندارد. مثلاً طرح برداشتن کنکور و ... خوب است اما چون روی معدلهای خوب کار نشده است مطمئناً یکی - دو سال دیگر مشکلاتی این چنینی را در سیستم گزینش دانشجو خواهیم داشت.

*اینکه مواد درسی مانند موسیقی، زبان انگلیسی، زبان عربی، فلسفه و منطق در مقاطع پائین تر تحصیلی تدریس شود، نظر شما

اشکال ما این است که کارها را بدون تحقیق انجام می دهیم و یا اگر تحقیقی انجام می شود به آنها توجه نمی کنیم. به نوعی درسهایی مثل فلسفه و منطق را در سال ششم ابتدایی وارد کردند. بنده معتقدم اینها باید باشد اما چگونه وارد شدن آنها مهم است. امیدواریم که دانش آموزان را از این درسها زده نکنیم. کتابها چاپ و منتشر شده اما معلم آموزش ندیده است. ابزارهای دیگر آن فراهم نشده است یا مثلا یکی از اشکالات من به تغییر کتابها این است که یک مرتبه کتاب ششم ابتدایی را عوض می کنند اما تغییر کتابها از اول ابتدایی به سوم ابتدایی رسیده است. این سیستم باید به تدریج از پیش از دبستان شروع شود. فلسفه و منطق بحثی بنام تفکر دارد که باید هدفمان این باشد که تفکر در دانش آموزان گسترش پیدا کند. با تغییر در کتاب درسی ششم و وارد کردن فلسفه و منطق نمی توان از این نقطه شروع کرد و دانش آموزان را متفکر تربیت کرد. باید از پیش دبستانی شروع کرد و درسهایی مانند موسیقی، تربیت بدنی، هنر، زیبایی شناسی و ... به تدریج در کتابهای درسی ما وارد شود بعد آن موقع می توانیم از دانش آموزان توقع تفکر منطقی داشته باشیم.

هنوز هیچ ابزاری فراهم نشده، یک مرتبه وارد بحث تفکر و پژوهش می شویم. باید قبل از این مرحله شرایطی فراهم شود. کما اینکه می بینید که دانش آموزانی که در سیستم جدید فعلی دارند درس می خوانند حتی وقتی وارد دانشگاه می شوند هیچ کدام متفکر و پژوهشگر نیستند. اصلا نمی توانند سؤال طرح کنند. یعنی در واقع یکی از اولین مسائل تفکر ایجاد سؤال است. در دانشگاه و حتی در مقطع دکترا وقتی تدریس می کنم وقتی می پرسم کسی سؤالی ندارد هیچ کس سؤال نمی کند. چون ریشه این کار را در پیش دبستان و دبستان و ... خشکاندیم. به سؤالات دانش آموزان جواب ندادیم. روشهای طرح سؤال و تفکر را به دانش آموزان یاد ندادیم. در دین اسلام آمده که در سنین پائین باید تربیت را آغاز کرد، حتی قبل از تولد، این دیگر خیلی بالاتر از اعتقاد روانشناسان معاصر دنیاست که تربیت را از تولد تا زمان مرگ می دانند. در دین اسلام حتی پیش از تولد برای تربیت سفارش شده است اما اینها اجرایی نمی شود.

*کدام دولت و کدام وزیر در این عرصه موفق تر بوده و بهتر کار کرده است؟

طبیعتا توقع ندارید از کسی نام ببرم، همان طور که عرض کردم به همه آنها انتقاد دارم ولی در یکی دو برهه وضع بهتر بود، حتی قبل از انقلاب هم وزیری داشتیم که پیشرفتهایی حاصل شد. بعد از انقلاب هم در زمان آقای اکرمی، یک سری اقدامات شایسته ای شروع شد.

بعد از انقلاب تا حالا، ما چند وزیر آموزش و پرورش داشتیم؟! در صورتی که در کشورهای پیشرفته، یک وزیر آموزش و پرورش سالها این مسئولیت را برعهده دارد و حتی در برخی از کشورها این مدیریت، موروثی می شود اگرچه ممکن است برخلاف اصول دموکراسی باشد اما به خاطر اینکه این وزارتخانه نیازمند کار تداومی هست. اینکه می گویم نمی توانم فردی را نام ببرم بیشتر به این خاطر است که در کوتاه مدت نمی توان تغییری را ایجاد کرد. وقتی وزیری می خواهد اقداماتی انجام دهد تا دو - سه سال از شروع فعالیتش گذشته است عوض می شود.

متأسفانه در آموزش و پرورش ما یک سنتی هست که وقتی وزیری عوض می شود یک مرتبه تمام ساختار وزارتخانه عوض می شود. چون ما برنامه استراتژیک نداریم. یکی دیگر از مسائلی که خیلی خوب هست. منشور آموزش و پرورش یا برنامه درسی ملی که اصطلاحا به آن قانون آموزش و پرورش می گویم. این هم گامی است که خوشبختانه برداشته شد ولی اکنون می بینیم که دارد به انحراف می رود یعنی یک سری تغییراتی را در اصل سند و منشور قانون به وجود آوردند که به نظرم می آید که مدام باید اینها را زیر نظر داشت و رصد کرد. بنابراین به طور کلی منتقد هستم اما کارهایی هم صورت گرفته است ولی اینقدر این کارها ابتر باقی مانده یا عوض شده است که به نوعی هدف اصلی اش را از دست داده است.

*ویژگیهای وزیر آموزش و پرورش باید از لحاظ مدارک و تجربه باید چگونه باشد؟

طبیعتا باید فرد تحصیل کرده، با تجربه و توانمند باشد. اعتقاد عمیقی دارم که وزارت آموزش و پرورش مهمترین وزارتخانه دولت جدید ما خواهد بود. بنابراین به فردی نیاز دارد که توانایی بالایی داشته باشد. متأسفانه یکی از معضلات در وزارت آموزش و پرورش ما این بوده که هر وزیر معمولا با رأی بسیار پائینی در مجلس رأی اعتماد می گیرد. وزیر آموزش و پرورش دولت جدید باید وزیری باشد که بالاترین رأی را بیاورد بنابراین باید فردی کاملا توانمند باشد. باید دانش تخصصی این رشته را داشته باشد و با ساختار آموزش و پرورش آشنا باشد. به هر حال باید شبکه هایی در آموزش و پرورش ایجاد شد که فردی که وزیر می شود باید اینها را بشناسد تا بتواند با اینها کار کند. اکنون وضعیت معلمان نیاز به بازنگری اساسی دارد اینکه حقوق معلمان 10 درصد افزایش پیدا کند کارساز نیست. نیازمند وزیری هستیم که بتواند کارهای بر زمین مانده را انجام دهد.

بودجه های دفاعی و نظامی بررسی نمی شود چون با امنیت کشور مرتبط است، در صورتی که امنیت اصلی کشور در آموزش و پرورش کشور است. سرمایه گذاری در آموزش و پرورش بسیار بازدهی دارد و باعث می شود که به بودجه در بسیاری از بخشها احتیاجی نداشته باشیم. وقتی سطح فرهنگ جامعه رشد پیدا کند خیلی از مخاطرات اجتماعی وجود نخواهد داشت. بسیاری از مخاطرات اجتماعی حاضر به خاطر سواد عمومی جامعه است. اگر اینها خوب انجام شود و آموزش و پرورش به سمت هدایت شود. بنابراین فردی که به عنوان وزیر آموزش و پرورش انتخاب می شود اولاً باید تحصیلات آکادمیک کافی را داشته باشد. وزیر نیازمند ارتباطات خوبی با دیگران است. متأسفانه برخی از وزاری آموزش و پرورش حتی نمی توانستند با بدنه آموزش و پرورش ارتباط داشته باشند مثلاً دسترسی معلمان به وزیر بسیار پائین و سخت است. اداره کردن وزارتخانه ای با این همه گستردگی خیلی سخت است. ابواب جمعی اش حدود 15 میلیون دانش آموز و 3 - 4 میلیون معلم است و به همه اینها کارمندان هم اضافه می شود و به نوعی همه خودشان را در این وزارتخانه سهیم می دانند. بنابراین کار سختی در پیش روی وزیر جدید است. ویژگیهای فرد باید بسیار بالا باشد.